سال بیست‌وسوم ■ شماره ۶۵۲۲
یکشنبه ■ ۲۸ خرداد ۱۳۹۶

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

editorial@iran-newspaper.com

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: داوود محمدی
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
انتشارات موسسه فرهنگی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی / امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴ - ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: اشراق قلم‌پارسه سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی چاپ همزمان اصفهان (آنیل رسانه)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران: www.ion.ir/news/19949.html

دعای ماه مبارک رمضان

دعای روز بیست‌وسوم

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِی فِیهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِی فِیهِ مِنَ الْعُیُوبِ وَامْتَحِنْ قَلْبِی فِیهِ بِتَقْوَی الْقُلُوبِ یا مُقِیلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِینَ

خدایا در این ماه از گناهانم شست وشویم ده و از عیب‌ها پاکم کن و دلم را به پرهیزکاری دلها بیازمای، ای نادیده گیرنده لغزش های اهل گناه.

پوکر فیس

روحانی چیکارش کرده؟

محمدامین فرشادمهر

بازی تیم‌های ملی فوتبال کشورمان و ازبکستان با نتیجه دو بر صفر به سود ایران به پایان رسید تا ما صعود زودهنگامی به جام جهانی روسیه داشته باشیم. یعنی آنقدر یکدفعه‌ای و زود وارد روسیه شدیم که خود روس‌ها طی تماسی گفتند اگر قبل از ما رسیدید، کلید داخل جاکفشی است. به هرحال این بازی حواشی‌ای نیز به همراه داشت. مثلاً قبل از شروع بازی قرار بود گزارش را پیمان یوسفی برعهده بگیرد که با تصمیمی ناگهانی، جواد خیابانی عزیز را مسئول این مهم کردند. چرا که این‌ها ازبک بودند و حتی از استرالیایی‌ها هم سرسخت‌تر و اصلاً هم سوسول‌بازی نداشتند. شما اسامی بازیکنان استرالیا را به یاد بیاورید. گنده‌هایشان مارک بوسنیچ و هری کیول بودند. در این حد گوگولی مگولی. به هرحال با پایان بازی و ترشح آدرنالین، جواد خیابانی با جملاتی جادویی کاری کرد که تیم سانسور شبکه سه بالاتفاق نیم‌خیز بنشینند و در حالی که ناخن دستشان را می‌جوند از دور با ایما و اشاره بگویند باشه تمومش کن. جملاتی نظیر ما که رفتیم روسیه، قطر می‌دونه و چین و کره و سوریه! یا سلام‌هایی که تمام اساطیر روسی را به صورت عرضی و طولی دچار اعوجاج نمود. یعنی کار داشت از سلام به روسیه و مسکو به چیزهایی نظیر سلام تولستوی، سلام نیکلای گوگول، سلام گروه خواهران تتو، سلام ماریوشاراپووا و غیره می‌رسید.

بعد از بازی هم شاهد حواشی مختلفی بودم. مثلاً بازیکنان و کادر فنی طی یک مراسم افطاری میهمان رئیس جمهوری کشورمان بودند. دلواپسان هم ساکت ننشستند و از تریبون‌های جمع و جورشان اعلام کردند که این پیروزی، متعلق به دولت نیست و الکی مال خودشان نکنند. این مسأله من را یاد خاطره‌ای انداخت. مایک معلم خیلی مهربان و احساساتی داشتیم که گاهی بی‌خیال درس و حساب و هندسه می‌شد و برایمان صحبت می‌کرد. یک بار با همان حالت احساسی همیشگی‌اش، کیسه منجوق‌کاری زیبایش که شیلنگ و فلک و ترکه انار و پنجه بوکسش داخلش بود را گوشه‌ای گذاشت و گفت: شماها اگه نمره بگیرید می‌گید خودمون درس خوندیم؛ اگه هم نمره نیارید می‌گید معلم‌مون نمره نداد. یادش بخیر همیشه دوست داشت سربلندی ما را ببیند و می‌گفت: می‌بینم اون روزی رو که سرتون رفته بالای دار و من وایسادم با دوربین لوبیتل ازتون عکس می‌گیرم! بگذریم. سؤال من از عزیزان دلواپس این است که حالا که صعود تیم فوتبال متعلق به رئیس جمهوری نیست، شکست تیم والیبال‌مان از امریکا و دیگر شکست‌های احتمالی و طبیعی ورزشی هم ربطی به ایشان ندارد دیگر؟ یا اینکه این باخت‌ها هم از نتایج برجام و سند آموزشی ۲۰۳۰ هستند؟! کلاً عملکردهای موفق دولت -که کم هم نبوده- قرار نیست دیده شود نه؟! هرکسی زودتر جواب داد برنده است، جایزه‌اش هم یک پست بالاتر در استان خودش!

کیوسک

سفرنامه پراگ در «واو»

نخستین شماره نشریه «واو» به مدیرمسئولی شهرام فرمانی و سردبیری شیوا آبا منتشر شد. گفت‌وگو با مهدیس بلوچی؛ طراح لباس، مد، قلمرو بی‌پایان آوانگارد و مطالبی درباره الکساندر مک‌کویین، یوجی یاماماتو، ویکتور والف، جان گالیانو، ری کاواکوبو، شورشی واقعی درباره کیت هرینگتون در فراخوان تبلیغاتی «جیمی پو»، مرز مشترک مد و حجاب که مطلبی درباره آنیسا حسیبیان؛ طراح مالزیایی که در برندهای مطرحی مانند دولچه گابانا کار ارائه داده، است، قیافه رنگی کمدها، خواستنی‌ترین کیف پرادا در سال ۲۰۱۷، نگاهی ساده به تغییرات مد، خوش‌پوشی به سبک گوچی، گروبل فورسی از مهد ساعت، ادوسنس بیانی از بهار و زندگی، تجربه شرق کهن با سیلان، چطور تکنولوژی پوشیدنی‌های ما را عوض کرد؟، گروسو؛ موبایلی از چوب نایاب آفریقایی، ساعت خروس نشان، داستان سنگ‌هایی به قدمت ۲ قرن، رونمایی از سری ۷ بی‌ام‌و، درباره هتل «بارین» دیزین، منوی پیشنهادی کافه‌های لوکس و سفرنامه پراگ، عناوین مطالب این شماره است. مجله واو در ۱۰۰ صفحه و به قیمت ۲۰ هزار تومان منتشر شده است.

یکشنبه بازار فرهنگ

■ **ششمین نشست «یکشنبه‌های شعر»**

ششمین برنامه از سلسله نشست‌های «یکشنبه‌های شعر»، عبدالجبار کاکایی، ابراهیم اسماعیلی اراضی و حامد عسکری، امروز ساعت ۱۶:۳۰ در بنیاد شعر و ادبیات داستانی واقع در خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، کوچه اعرابی پنج، شماره ۶ برگزار می‌شود.

■ **نقد و بررسی مستند «آوانتاژ»**

«سینما روایت» در یکصد و شانزدهمین برنامه خود، فیلم مستند «آوانتاژ» به کارگردانی محمد کارت را امروز ساعت ۱۷ با حضور محمدتقی فهیم در مجتمع فرهنگی - هنری اسوه واقع در خیابان انقلاب اسلامی، تقاطع خیابان بهار، شماره ۴۵۳ اکران، نقد و بررسی می‌کند.

■ **نمایش و نقد مستند «آبی کم‌رنگ»**

نمایش و نقد فیلم مستند «آبی کم‌رنگ» ساخته آرش لاهوتی، امروز ساعت ۱۷ با حضور آرش لاهوتی (کارگردان)، ناصر صفاریان و محمدرضا مقدسیان (منتقد میهمان) در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی واقع در خیابان سهروردی شمالی، میدان شهید قندی، شماره ۱۵ مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

اذان ظهر	اذان مغرب	نیمه شب شرعی	اذان صبح فردا	طلوع آفتاب فردا
۱۳/۰۵	۲۰/۴۴	۰۰/۱۲	۴/۰۱	۵/۴۸

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۲۹	۳۶	۳۵	۴۸	۳۷	۴۰	۳۹	۲۷
۱۶	۲۵	۲۳	۳۱	۲۹	۲۶	۲۱	۱۹

عکس‌نوشت

ایران

گزارشی از سفر تور کتاب کودک به بلوچستان

سفر به سرزمین اسطوره‌های زندگی

اسماعیل آزادی
روزنامه‌نگار

دومین سفری بود که گروه تور کتاب، کودکان بلوچ را برای اهدای کتاب هدف‌گذاری کرده بود چرا که این بلوچستان چه حس ویژه‌ای دارد و چقدر بوی وطن می‌دهد و محرومیت و استعداد. البته این محرومیت یک جا و دوجا هم نیست در واقع جزشهرهای بزرگ استان بقیه محرومند، چند سالی هم هست که خشکسالی مزید برعلت شده بود اما امسال باران خوبی بارید وسد پیشین هم پر شد و زمین سیراب، گل‌ها هم شکفتند اما مطمئن نیستم که بایک گل بهار بشود!

هواپیما در فرودگاه چابهار به زمین می‌نشیند از بلکان هواپیما که پایین می‌آییم گرما و رطوبت هوا غافلگیرمان می‌کند. دراینجا آنقدر رطوبت دائمی است که برخی گیاهان به‌جای ریشه با برگ‌های ریزشان آب مورد نیازشان را جذب می‌کنند در فرودگاه ورنت بلوچ نماینده تور کتاب در منطقه به همراه رئیس آموزش و پرورش و رئیس سازمان میراث فرهنگی نیکشهر با لباس‌های زیبای بلوچی که نشان از باورعمیق سنن اقوام بلوچ است به استقبالمان می‌آیند تا راهی نیکشهر و قصرقند شویم. از چابهار تا نیکشهر ۳ ساعت راه است اما باید بر اشتیاق رسیدن به مقصد برای تقسیم‌بندی کتاب‌ها برای رفتن به هریک از روستاها غلبه می‌کردیم دراینجا بود که روایت رئیس آموزش و پرورش نیکشهر درباره کودکان بلوچ را می‌شنویم که سخنانش از اوج محرومیتی است که باید از کودکان این خطه باور کنیم. زندگی در روستاهای قصرقند و نیکشهر بلوچستان با شور بی‌بدیلی جریان دارد و این شور در روستاها، دیدنی است. بر خلاف روستاهای فراوانی که در بسیاری از نقاط کشور از زندگی تهی شده‌اند و یا رونق پیشین را ندارند. در روستاهای بلوچستان با همه فقری که وجود دارد زندگی روستایی رونق با شکوهی دارد.

وقتی رسیدیم دم غروب بود و زنان ده در داخل کپرها مشغول پخت و پزبودند و یکی از آنان ما را به نان داغ ساجی بلوچی مهمان کرد.

همه بچه‌های ده و مدرسه سنگی در تنها اتاق آجری ده جمع شدند و به گپ و گفت مشغول شدیم! کودکانی که به لطف سوادی که پدر و مادرشان نداشتند داناتر می‌نمودند و کنجکاوتر و کتاب‌ها را به شوق دانستن یکی یکی ورق می‌زدند. همه کودکان صاحب کتاب شدند و کارتنی از کتاب را نیز به عنوان کتابخانه تحویل یکی از نوجوانان ده دادیم و او شد مسئول کتابخانه و چه حس خوبی را از مدیر کتابخانه بودن بروز می‌داد وقتی کتاب‌های کتابخانه را معرفی می‌کردیم چه معنادار بود که بزرگترها بیش از همه کتاب‌ها از داستان‌های شاهنامه استقبال می‌کردند و چه خوب می‌شناختند شاید چون رستم را از خود می‌دانستند. باید زودتر باز می‌گشتیم چرا که اگر مشکلی در راه پیش می‌آمد هیچکس نبود که بتواند به ما کمک کند.

بعد از انجیرکی، هنوز ۲ روز دیگر کار داشتیم یک روز را در ۳ مدرسه روستایی نیکشهر و روز بعد را در ۴ مدرسه روستایی منطقه تلنگ قصرقند به حدود ۱۰۰۰ کودک دبستانی کتاب اهدا کردیم و ۶ کتابخانه نیز برای مدارس ابتدایی همان ۶ روستا برپا کردیم. این کتابخانه‌ها که همه آنها سیب دانش نام دارند با شماره‌های ۴ -۹ شماره‌گذاری شده‌اند هریک از این کتابخانه‌ها با بیش از ۲۵۰ جلد کتاب به کامپیوتر نیز مجهز شدند. خوب است بدانید در این مدارس کودکان در کلاس ششم درس کامپیوتر داشتند اما بیشتر آنها هرگز کامپیوتری را به چشم نیز ندیده بودند. سفر ما به پایان رسید اما هر چند خوشحالم اما ترک این مردم خونگرم مهربان و دوست داشتنی غمگینمان می‌کند. نمی‌دانم چرا کودکان بلوچ تا این حد غمگینند. این را در غالب مدارسی که رفتیم دیدیم گویی برای خندیدن بهانه‌ای می‌خواهند که ندارند. اما با کتاب چقدر خوشحال می‌شدند اصلاً با آن احساس غریبی نمی‌کردند گویی سالهاست این یار مهربان را می‌شناسند. تا کتاب را می‌گرفتند آن را باز می‌کردند و مشتاقانه ورق می‌زدند گویی با او سخن می‌گویند. بچه‌های مدارس روستایی بلوچستان خیلی بیش از حد آرام و حرف‌شنو و مطیعند و یک حس غریب مظلومیت مضاعف را می‌توان در چشمان قشنگ و معصوم و کنجکاوشان دید.

ایران نگاری

علی رنگچیان
طراح و مجری «تجربه گردشگری شهری»

به بهانه سالمرگ «سرآلبرت هوتوم-شیندلر»

ایران شناسِ بانکدار

در میان اروپاییان بندرت می‌توان شخصیتی مانند آلبرت هوتوم-شیندلر (Albert Houtum-Schindler) یافت که چنین دانش عمیق و گسترده‌ای از ایران داشته باشد. هوتوم از آن دسته شخصیت‌های علمی و متواضعی بود که به علم بیش از انتشار آثار خود اهمیت می‌داد و در همه حال، آماده عرضه تمام دانسته‌های خود به شاگردانش بود. هوتوم شیندلر، نسبت به کسانی که از تهران بازدید می‌کردند و حتی کسانی که مدت زیادی در آنجا اقامت داشتند، میهمان‌نوازی خاصی داشت. سخت‌ترین کار بخشیدن کتاب است؛ کاری که این دانشمند براحتی انجام می‌داد.

هوتوم-شیندلر مهندس دانش‌آموخته دانشگاه لایپزیک بود. او در ۱۸۶۸ برای کار تلگراف به ایران آمد و هشت سال پس از آن دولت ایران وی را برای بازرسی خدمات تلگراف استخدام کرد. پس از مدتی وزیر تلگراف ایران شد و خطوط تلگراف بسیاری برای ایران طراحی کرد. در ۱۸۸۲ او مدیر کل معادن فیروزه خراسان شد.

آلبرت هوتوم، در سال ۱۸۹۳، به‌عنوان نخستین مدیر بانک تازه تأسیس ایران (بانک شاهی) و مدیر فعالیت‌های معدن‌کاوی در ایران معرفی شد. پس از مدتی، به مدیریت بازرسی بانک منصوب شد و پنج سال در آنجا خدمت کرد. سپس به‌عنوان مشاور ارشد، وارد امور خدماتی حکومتی شد؛ همزمان مسئولیت اداره گذرنامه تهران را نیز به عهده داشت. وی در سال ۱۹۱۱، بازنشسته شد و باقی عمر را در انگلستان گذراند. از آثار او در زمینه حیات وحش، مقاله‌ای است که در آن، زندگی گونه‌های مختلف بز کوهی در جنوب ایران را بررسی کرده است. گونه جدیدی را که او مطالعه کرده بود، «تراگلاپوس هوتوم شیندلری» نام نهادند.

او در زمان فعالیتش در ایران به گوشه و کنار این کشور سفر کرد و اطلاعات گسترده‌ای از جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، زبان و موضوعات مربوط بدین سرزمین را گردآورد. وی در زمان خود مرجعی ارزنده برای پژوهشگران و مسافران و سیاستمدارانی که علاقه‌ای روی کار در زمینه ایران داشتند، بود. وی نوشته‌های چندی از جمله چند مقاله در ویرایش یازدهم دانشنامه بریتانیکا را داراست. شیندلر بارها کتاب‌هایش را خوانده و در حاشیه آنها یادداشت‌هایی گذارده بود. وی پیش از فوت، قسمت زیادی از یادداشت‌هایش را از بین برد. تنها دستنوشته‌هایی درباره سنگ‌های گرانبهای قم و کاشان و یادداشت‌هایی درباره خواجه رشیدالدین فضل‌الله از او باقی مانده است. تعداد قابل توجهی از کتاب‌های او از کتابخانه دو شاهزاده معروف قاجار، فرهاد میرزا معتمدالدوله و بهمن میرزا بهاءالدوله جمع‌آوری شده‌اند.

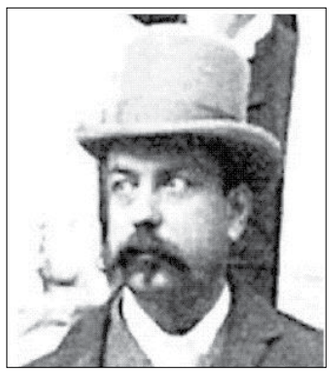

یادداشت‌های ایران باستان

سهراب گنجی مراد
پژوهشگر تاریخ

یخ‌های سیبری، محافظان شناسنامه فرهنگی ما

زمانی که پروفسور رودنکو در سال ۱۹۲۹ م (۱۳۰۸ ش) کاوش در پازیریک سیبری را آغاز کرد هیچ کس باور نداشت کاوش او منجر به کشف قدیمی‌ترین قالی پُرزدار عالم شود. از میان یخ‌های گورگان سَکایی، قالی ۲ در ۲ متر، نه با بیل و کلنگ بلکه با میلیون‌ها لیتر آب جوش بیرون آورده شد. بافته‌ای ایرانی با قدمتی ۲۵۰۰ ساله که چشم جهانیان را خیره و منطقه گمنام پازیریک را شُهره عالم و آدم کرد. ۱۹۴۹ م (۱۳۲۸ ش) سال کشف قالی پازیریک، سالی فراموش‌نشدنی است؛ نه تنها برای ایرانیان بلکه برای تاریخ هنر و قالی جهان. با کمال شگفتی، یخ‌های سیبری پاسدار و محافظ چند هزار ساله شناسنامه فرهنگی و هنری ما شدند. یک پنجم قالی از بین رفته، قالی از جنس پشم که رنگ‌های اصلی آن عبارتند از: قرمز سیر، آبی، سبز، زرد کم رنگ و نارنجی که البته بر اثر سال‌ها یخ‌زدگی رنگ آن تغییر یافته است.

■ **مهارت خیره‌کننده ایرانیان**

کتاب تاریخ فرش حشمت رضوی

اصل فرش پازیریک موجود در موزه آرمیتاژ سن‌پترزبورگ روسیه

قسمتی از مقاله خانم ماریا خنینا (دبیرکل بخش فرهنگ‌های ما قبل تاریخ و مدیر آثار باستانی سیبری در اتحاد جماهیر شوروی سابق) در مجله «پیام یونسکو» وابسته به سازمان ملل را مرور می‌کنیم: «در سال ۱۹۲۹ اس.ای. رودنکو و م.پ. گریازنف از لنینگراد کاوش یک گور قدیمی را که در ارتفاع ۱۶۰۰ متری در پازیریک سیبری قرار داشت، آغاز کردند و این گور در دره اولاکان قرار گرفته که گذر از آن دشوار است. کاوش‌های انجام شده در نخستین گورکان یخ زده نتایج بسیار جالبی داشت، زیرا اشیای مدفون در این گورکان از مواد از بین رفتنی درست شده بود، ولی کاملاً محفوظ مانده بود. چهار گورکان یخ زده در سال‌های ۱۹۴۹.۱۹۴۷ به وسیله گروه جدید زیر نظر اس. ای رودنکو کاوش شد و نتایج آن جنجال به پا کرد. وقتی از گورهای یخ‌زده پازیریک فرش‌ها، لباس‌ها، اجساد مومیایی، یک ارابه، اسب‌هایی با زین و برگ شاهوار، وسایل آشپزخانه، آلات موسیقی و غیره بیرون آمد که همه متعلق به بیش از ۲۵۰۰ سال پیش بود، نام پازیریک که تا آن زمان ناشناخته بود، شهره آفاق شد... در میان گنجینه‌های کشف شده در پازیریک، بخصوص یک قالی پشمی با گره‌های محکم و رنگ‌های زنده، شهرت دارد. این فرش که تقریباً چهار گوش است در حدود ۲ متر مربع وسعت [حدود ۴ متر مربع مساحت] دارد و تصویر سوارکاران، آهوان در حال چرا، جانوران افسانه‌ای با سر عقاب و بدن شیر بر آن نقش بسته‌اند و حاشیه‌ای گلدار آن را زینت بخشیده است. این قدیمی‌ترین قالی دنیاست که گواه مهارت خیره کننده قالیبافان ایرانی است.»

■ **قالی با اسلوب زمان ما**

مهارت بافندگی و طرح قالی واقعاً خیره کننده است. عالم انگشت به دهان مانده که چطور قالی ۲۵۰۰ ساله با قالی‌های امروزی پهلو می‌زند. مهارت آن‌قدر تکامل یافته است که نمی‌تواند کار یک بافنده فوق‌العاده قوی باشد، کار یک نسل و دو نسل هم نیست. متخصصان قالی ایرانی معتقدند که بافت قالی چنین شاخص و ظریف لااقل به ۵۰۰ سال پیشینه و مهارت نیاز دارد. دکتر سیروس پرهام یکی از سه متخصص قالی ایرانی، چه زیبا این اعجاب را منعکس کرده است: «به سال ۱۹۴۹ میلادی، سرگی رودنکو باستان شناس روس هنگام کاوش در گورهای اقوام سکایی منطقه پازیریک (در دامنه‌های جنوبی جبال التایی، سیبری) به یافتن دستبافته‌ای کامیاب شد که تاریخ فرشبافی را سر به سر دگرگون کرد. از میان یخ‌های «گور شماره ۵» پازیریک بیرون آمده بود دو هزار و پانصد ساله، نه همان گره بافته و خوابدار بلکه بسیار ظریف و ریز بافت و به همان اسلوب قالیبافی زمان ما. این بزرگ‌ترین کشف تاریخ فرشبافی بیش از هر چیز از این حیث یکتایی اهمیت داشت که یگانه نمونه فرش گره بافته بود (و هنوز هم هست) از عصر هخامنشیان تا یک هزار و پانصد سال بعد از آن. پیدا شدن قالی پازیریک تمامی فرضیه‌های به ظاهر استوار و به اصطلاح «آکادمیک» را درباره قدمت قالیبافی بی‌اعتبار ساخت و تاریخ آن را به بیش از دو هزار و پانصد سال رساند.»

■ **اعجاب مضاعف**

با دقت در فحوای سخنان نغز متخصص قالی ایرانی، متوجه دو مرحله فوق‌العاده شاخص در دگرگونی تاریخ قالی جهان می‌شویم: مرحله اول که با کشف قالی پازیریک، تاریخ قدمت قالی ۱۵۰۰ سال به عقب رفت: اعجاب اولیه. مرحله دوم که ظرافت بی‌حد و حصر قالی کشف شده، مهر تأیید بر آشنایی بشر (ایرانیان) با این نوع کار ظریف و شاخص داشت. در این مرحله باز هم ۵۰۰ سال دیگر به این قدمت افزوده می‌شود: اعجاب در اعجاب، اعجاب ثانویه. پروفسور هانس ای. وولف آلمانی در کتاب «صنایع دستی کهن» در این‌باره می‌نویسد: «این قالی نسج بسیار ظریفی دارد و در هر اینچ مربع [۲/۵ سانت در ۲/۵ نیم سانت] ۵۷۰ گره خورده در صورتی که قالی‌های پشمی خرسک امروزی ۸۰ گره و بهترین قالی ابریشمی ۸۰۰ گره دارد. گره‌های قالی قیورد و از نوع گره‌های به اصطلاح تُرکی است. اگر در نظر بگیریم که سکاها و ترک‌ها در آسیای مرکزی همسایه بودند، این سؤال پیش می‌آید که از ترک‌ها و ایرانیان کدام یک مبدع و مبتکر قالیبافی بوده‌اند؟ جزئیات طرح قالی نشان می‌دهد که بی‌هیچ گفت‌وگو این قالی ایرانی است.»

منطقه پازیریک که این قالی در آنجا کشف شده، فاقد پیشینه تمدن والایی است، این قالی و سایر اقلام ظریف از ایران و جاهای دیگر خریداری و دادوستد می‌شده است. واقعاً حیرت‌آور است، بافت قالی پشمی ۲۵۰۰ ساله با ۵۷۰ گره در هر اینچ مربع که با قالی‌های ابریشمی امروزی پهلو می‌زند؛ قالی ابریشمی با این همه امکانات جدید و تجارب چند نسل بافنده. قالی که بافنده حرفه‌ای امروزی برای بافت آن به ۱۸ ماه وقت نیاز دارد. قالی ۲ در ۲ که یک میلیون و ۲۵۰ هزار گره دارد. در اینجا قصد پرداختن به قالی پازیریک و کشف رمزهای بی‌پایانی مغانی آن را ندارم. این مطلب در حکم مقدمه‌ای بود تا از ظرافت قالی پازیریک و غوغای رنگ‌های زنده آن، به سمبل‌شناسی رمزهای مغانی برسیم. در مطالب آینده راجع به رمزهای متعدد قالی: رنگ قرمز قالی، حفاظت از قالی توسط گوزن‌ها و ساوران، چرخش خلاف جهت گوزن‌ها و ساوران، فلسفه وجود ۲۴ ستاره هشت پر در مرکز قالی و ارتباط آن با ستاره هشت پر وسط قالی‌های دستباف و سرانجام فلسفه تفاوت طرح این قالی با قالی‌های دستباف ایرانی، سخن خواهم گفت.

نگاره

فیروزه مظفری

اهدای خون؛ شریک شدن در زندگی دیگران

یادبود

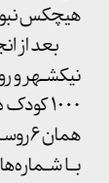

اسدالله امرایی
مترجم

به بهانه هفتمین سال درگذشت «ژوزه ساراماگو»

نویسنده‌ای خود ساخته و متفاوت

«ژوزه ساراماگو»(José de Sousa Saramago) را می‌توان از جمله نویسندگانی دانست که حتی قبل از کسب نوبل هم مشهور شده بود. آنچنان که قبل از اختصاص جایزه نوبل ادبیات به وی، اغلب آثارش به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در کشورهای مختلف منتشر شده بود. البته در ایران شرایط انتشار آثار این نویسنده قدری متفاوت بود چرا که در ایران اغلب زمانی به سراغ انتشار آثار یک نویسنده تازه می‌روند که موفق به کسب جایزه مطرحی شده باشد. ساراماگو، نگاهی سیاسی و انتقادی به جامعه داشت که بازتاب آن را می‌توان در آثارش هم دید، مسأله‌ای که بی‌شک در دیده شدن کتاب‌هایش در سطح جهانی تأثیر بسزایی داشته است. از سوی دیگر او نویسنده‌ای خودساخته بود و شاید بتوان این مسأله را یکی از مهم‌ترین عوامل در مطرح شدن وی و آثارش دانست. ساراماگو در خانواده‌ای تنگدست متولد شده بود و تمام چیزهایی که نوشته به نوعی زندگی کرده بود؛ طعم فقر را چشیده بود و حتی درس خواندن او هم همراه با سختی بود. این مسائل منجر به آن شده بود که داستان‌هایش برای مخاطبان باورپذیر شود و ارتباط بهتری با کتاب‌هایش برقرار کنند. شاید ساراماگو در ایران بواسطه نوبل مطرح شد اما نویسندگان بسیار دیگری هم بودند که آثار آنان بواسطه کسب جوایز بزرگ جهانی در کشورمان ترجمه شد اما تنها به یکی-دو اثر ختم شد و ادامه نیافت. اما در ارتباط با ساراماگو اینگونه نبود و ترجمه آثار وی به سبب استقبال مردم ادامه پیدا کرد. اغراق نیست که بگوییم برخی از آثار او مانند کتاب «شازده کوچولو» اگزوپری با استقبال بسیاری از سوی مردم روبه‌رو و ماندگار شده است. رمان «کوری» ساراماگو در کشورمان نزدیک به ۳۰ مرتبه ترجمه شده، تازه این ترجمه‌ها غیر از ترجمه‌های نخستینی است که مینو مشیری، مهدی غبرایی و من از آن انجام دادیم. البته در میان ترجمه‌های متعددی که از آثار این نویسنده انجام شده تنها آنهایی با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده‌اند که ترجمه‌های خوبی بوده‌اند وگرنه مخاطب ترجمه‌ای که با آن ارتباط برقرار نکند را کنار می‌گذارد.

آن سوی مرز

حضور پررنگ سینمای ایران در جشنواره شانگهای

بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای از ۲۷ خرداد تا ۵ تیرماه در چین برگزار و ۱۹ فیلم از ۱۳ سینماگر ایرانی و از جمله سه سینماگر مقیم خارج از ایران در بخش‌های مختلف این رویداد رده الف جهانی به نمایش درخواهد آمد.

فیلم سینمایی «زرد» نخستین ساخته مصطفی تقی‌زاده که توسط کامران مجیدی تهیه شده در نخستین نمایش جهانی خود در بخش مسابقه رسمی جشنواره شانگهای به نمایش درخواهد آمد.

فیلم سینمایی «سگ و دیوانه عاشق» دومین ساخته علی محمد قاسمی نیز در بخش رقابتی استعدادهای جوان آسیا حضور دارد و در سه بخش «بهترین فیلم»، «بهترین فیلمنامه» (علی محمد قاسمی و اعظم نجفیان) و «بهترین بازیگر زن» (آسیه بخشی زاده) نامزد دریافت جایزه شده است.

جشنواره فیلم شانگهای برنامه بزرگداشت عباس کیارستمی را با نمایش فیلم‌های «خانه دوست کجاست؟»، «کلوزآپ»، «زیر درختان زیتون»، «طعم گیلاس»، «باد ما را خواهد برد»، «کپی برابر اصل»، «منو خونه ببر» و فیلم مستند «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» (سیف‌الله صمدیان) برگزار خواهد کرد.

ایران ما

رضا سلیمان نوری

روضه قنبر؛ آیین قدری مردم یزد

یکی از مهم‌ترین آیین‌های مردم دارالعباده یزد در ایام ماه مبارک رمضان، روضه قنبر است. این آیین که در اغلب مناطق شهر یزد هنوز هم باشکوه بسیار و همچون سال‌های دور به اجرا در می‌آید به طور معمول از روز نوزدهم تا شب بیست و هفتم ماه رمضان، خوانده می‌شود. روضه قنبر آیینی است که مخاطب اصلی آنان زنان یزدی هستند و برای طلب حاجت‌های مختلف برگزار می‌شود و به همین دلیل نذری‌های گوناگون در حاشیه برگزاری آن توزیع می‌شود. برگزاری روضه قنبر، نماد ضربت خوردن مولای متقیان حضرت علی(ع) است و با آداب خاصی توسط زنان برگزار می‌شود. فردی در این مراسم، لباس سفیدی بر تن کرده و با کلاه سفید کشکولی که نماد دوستی حضرت علی(ع) است، مراسم را اجرا می‌کند. در مراسم روضه قنبر، دو شخصیت دیگر نیز حضور دارند که یکی نقش حضرت زینب(س) را با لباس بلند و مشکی و دیگری نقش ام‌کلثوم را بازی می‌کند.